

از: دکتر سید حسن امامی

باب اول - نظریه علیت یا خطر

نظریه مزبور مبتنی بر آنست که هر عمل زیان آور بخودی خود مرتکب راسخول
جبران آن قرار میدهد، زیرا زیان زننده برخلاف عدالت موجب تلف مال و کاستن دارائی
دیگری شده و تجاوز بحقوق او نموده است و باید آنرا جبران نماید تا تعادل قبلی برقرار
گردد و عدالت اجتماعی ایجاب رفع بی عدالتی را بنماید و از ضعیف در مقابل قوی
حمایت کند. نظریه مزبور از نظر مادی و فردی زیان دیده مورد توجه قرار گرفته است
نه از لحاظ روانی مرتکب و اجتماعی. در این نظریه برای مطالبه جبران خسارت ناشی
از عمل غیر، کافی میباشد که متضرر توجه خسارت و عمل خوانده را که موجب خسارت
شده است ثابت کند.

پیروان نظریه علیت همگی یکسان ارتکاب عمل را بطور مطلق موجب مسئولیت
فاعل ندانسته اند بلکه بعضی عمل غیر عادی *Anormal* را سبب میدانند که آن بالمال
به نظریه تقصیر میپیوندد، برخی دیگر عملی را موجب مسئولیت میدانند که نفعی از
آن برای مرتکب تصور نشود.

اجتماع بخصوص، باسانی برملا میشود. و در این مرحله و از این راه است که استاد هم در
کلاس درس بتعلیم میبرد و از دهم متقابلاً چیزی می آموزد.
باتوجه به مطالبی که آمد ضرورت استفاده از روش قضیه ای در آموزش حقوق،
مخصوصاً اگر تعلیم حقوق بعنوان يك فعاليت منطقی و هدف - گرا مورد نظر باشد،
روشن میشود و امید است استادان حقوق بموازات طرح مسائل کلی و نظری درس
خود بیش از پیش از قضایای واقعی و ابتکاری برای تفهیم مطالب و بحث کلاسی استفاده
کنند. البته آرائی که از محاکم مختلف صادر شده ممکن است راهنما و پایه خوبی برای
شروع کار نباشد، زیرا که این آراء معمولاً تفصیل وقایع را شامل نیست. بعلاوه از يك
نظر بخصوص، یعنی حل و فصل دعوی موجود، صادر شده است. در حالیکه هدف ما در
استفاده از دعاوی و قضایا، بیشتر جنبه آموزشی دارد. بنابراین باید آرای موجود را
بشکلی تغییر داد که سئوالات متعدد و گاه متضاد برای دانشجو مطرح
شود و در صورتیکه چنین آرائی در اختیار نداشته باشیم می توانیم خود به ابداع و ساختن
دعای فرضی، از جهت امر تعلیم حقوقی، بپردازیم. با این امید که روش قضیه ای که
روش منطقی و معقول آموزشی هر علم، منجمد علوم اجتماعی است، مورد توجه خاص
اساتید محترم و دانشجویان علاقمند قرار گیرد.

قانون ایران در مورد اتلاف مال ونقص وعیب آن به پیروی از حقوق امامیه از نظریه خطریه پوری نموده است مواد ۳۲۸-۳۳۰ ق.م. مواد مزبور مطلقاً زیان زننده را مسئول جبران خسارت وارده میدانند خواه عمدی باشد یا غیر عمدی خواه مجنون باشد یا صغیر ممیز یا غیر ممیز. ماده ۲۱۶ ق.م. ولی در صورتیکه زیان از طرف مجنون و صغیر غیر ممیز در اثر عدم مواظبت و نگاهداری کسانی است که عهده دار مواظبت و نگاهداری آنها میباشند، طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی آنها مسئول جبران زیان خواهند بود و در این مورد نظریه تقصیر متابعت شده است، زیرا اینان سبب میباشند و سبب اقوای از مباشر است.

باب دوم - نظریه تقصیر

نظریه مزبور مبتنی بر آنستکه قوانین برای برقراری نظم جامعه در روابط افراد بایکدیگر است که هر يك مكلف بر عایت آن میباشد و چون کسی برخلاف آن رفتار بنماید مسئول جبران زبانی میباشد که از عمل خلاف خود موجب شده است. قانون برای حفظ و حراست حقوق و دارائی افراد وضع نشده است تا هر فردی بفرد دیگر زیان وارد آورد و مطالبه جبران آنرا متضرر بنماید از او حمایت کند. بنابراین هر فردی باید در رفتار خود متوجه مسئولیت اجتماعی باشد که تجاوز به حقوقی که قانون برای دیگران شناخته است ننماید و الا مقصر و مسئول جبران زیاد وارده است. عدالت اجتماعی همیشه طرفدار زیان دیده نمیشد و از او حمایت نمی کند، زیرا انصاف و عدالت اجتماعی ایجاب مینماید کسی را که با عمل او بدیگری زیانی رسانیده ولی هیچگونه تقصیری را مرتکب نشده است مسئول جبران آن زیان نداند. ایراد مزبور بنظریه علیت و خطر وارد نمیشد زیرا حفظ حقوق افراد موجب حفظ نظم اجتماعی است،

فرق اساسی نظریه تقصیر با نظریه علیت.

بنابر آنچه در بیان هر يك از دو نظریه علیت و تقصیر گفته شده، در نظریه علیت که ماده ۳۲۸ قانون مدنی مبنی بر آن میباشد، مرتکب در صورتی مسئول جبران زیان متضرر میباشد که سبب وجود باشد ضرر- عمل را رابطه علیت بین عمل و ضرر، ولی بنابر

نظریه تقصیر که مبنای ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی قرار گرفته، مرتکب در صورتی مسئول جبران زیان وارده بر متضرر میباشد که علاوه بر وجود سه شرط مذکور در بالا مرتکب در ارتکاب عمل تقصیر نموده باشد، یعنی عمل او عمدی و یا در نتیجه بی احتیاطی باشد. عبارت دیگر بنابر نظریه تقصیر متضرر در دعوی مطالبه خسارت از عمل غیر باید علاوه بر اثبات آنکه ضرر را و متوجه شده و آن در اثر عمل ارتكابی خوانده بوده است ثابت نماید که عمل ارتكابی در نتیجه تقصیر او میباشد بنابراین فرق اساسی بین نظریه علیت و نظریه تقصیر آنستکه در نظریه تقصیر مرتکب در صورتی مسئول زیان ناشی از عمل خود است که مقصر باشد ولی در نظریه علیت نفس عمل زیان آور موجب مسئولیت میباشد. در نظریه تقصیر دو امر باید معلوم گردد یکی آنکه تقصیر چیست و دیگر آنکه مسئول جبران کیست؟

۱- تقصیر چیست

تقصیر- La Culpabilité عبارت است از وضعیتی است اعتباری که در شخص در اثر ارتکاب عمل بدون مجوز قانونی عملاً یا در نتیجه بی احتیاطی یافت میشود. کسیکه دارای چنین وضعیتی میباشد مقصر گویند، چنانکه از تعریف تقصیر مشهود است تقصیر بر دو قسم است. تقصیر عمدی و تقصیر غیر عمدی یا در نتیجه بی احتیاطی.

الف- تقصیر عمدی La Faute Intentionelle که آنرا جریمه Ledelit گویند

ب- تقصیر غیر عمدی یا در نتیجه بی احتیاطی La faute on Intentionelle

که آنرا شبه جرم نامند La faute D'imprudence Ou de Negligence

Le Quasi Delit,

تعریف هر يك از جرم و شبه جرم فائده عملی ندارد تا جداگانه مورد بحث قرار گیرد زیرا یکی مانند دیگری چنانچه موجب ضرر شود مرتکب باید زیان وارده را جبران نماید،

معادلک چون قانون، بیمه تقصیر عمدی را اجازه نمیدهد باطل و بلا اثر است بی مناسبت نمی باشد که هر يك بطور اختصار تعریف شود.

در دادگاه بدون داشتن حق.

اکنون در حقوق موضوعه مسئولیت ناشی از تجاوز از حق یکی از اصول مسلم بشمار میرود و ماده ۲۲۶ و ماده ۸۲۶ ق.م.آلمان- ماده ۲ قانون مدنی سوئیس ماده ۵ قانون مدنی پرو و امثال آن.

ماده ۲ قانون مدنی سوئیس میگوید «هر کس ملزم است طبق قواعد حسن نیت حقوق خود را اعمال و الزامات خود را اجرا بنماید تجاوز مشهور از حق بوسیله قانون حمایت نمیشود»

ایراد شده که غیر منطقی است، تجاوز از حق موجب تقصیر گردد، زیرا قانون نمیتواند آنچه را که اجازه داده است منع کند. ایراد مزبور وارد نمیشود، زیرا هر حقی محدود است و تجاوز از آن حد تجاوز از حق است. قانون حدود هر یک از حقوق را معین نموده است. بنابراین نمیتوان حدود هر حقی را جداگانه بدون در نظر گرفتن حقوق دیگر مورد نظر قرارداد و هر یک از نصوص قانونی را جداگانه تفسیر و اجرا نمود بلکه تفسیر هر یک از مواد قانون بانوجه بمواد دیگری که بآن مربوط است و توجه بروح قوانین موضوعه و عرف مسلم باید بعمل آید، در اینصورت است که با تجاوز از حق روبرو میشویم، زیرا قوانین برای برقراری نظم اجتماع وضع شده است و اجازه نمیدهد بطور مطلق بدون قید و شرط کسی حق خود را اعمال و اجرا نماید، اگر چه موجب تجاوز بحق دیگری شود، بلکه هر حقی بحقوق دیگری مربوط است.

طبیعت حقوقی تجاوز از حق- حقوقدانان نظریات مختلفی را اظهار میدارند که ذیلاً مندرک میگردد.

۱- بعضی از حقوقدانان بر آنند که قاعده تجاوز از حق بر مبنای تقصیر استوار است. عده ای از ایشان تجاوز از حق را محدود بمورد تقصیر عملی نموده اند که برای تجاوز نفعی در عمل تجاوز نباشد و فقط متجاوز برای زیان زدن بغیر مرتکب شده است. عده دیگر از ایشان تجاوز از حق را محدود بمورد تقصیر غیر عملی نموده اند که در نتیجه بی احتیاطی بعمل آید.

مسئول شناسائی هویت مشتری خود که پول بودیعه میسپارد نمیشاید پدری که فرزند طبیعی خود را نمی شناسد مسئولیت ندارد، ولی این رویه تغییر یافت و در بعض موارد خودداری از عمل موجب مسئولیت شناخته شد، مانند مورد محکومیت تبلیغ کنند که خودداری نموده نام Branly را در عداد مخترعین T. S. F. ببرد^۱

تقصیر محسوب میشود.^۲

خودداری از عمل ساده هر گاه بقصد اضرار غیر نباشد تقصیر محسوب نمیشود، مگر آنکه از طرف قانون و در اثر قرارداد ملزم بانجام آن عمل بوده است.

بنظر میرسد که خودداری از عمل چه در جریان فعالیت باشد و چه خودداری ساده چنانچه شخص الزام قراردادی یا قانونی برای انجام آن نداشته باشد نمیتواند موجب مسئولیت شود. زیرا هرگاه الزام قانونی یا قراردادی نباشد خودداری ساده نمیتواند علت حادثه گردد لذا نمیتوان آنرا موجب زیان دانست.

۵- تقصیر در تجاوز از حق- (تجاوز از حق L'abus des Droits حق) دکترین کلاسیک فرانسه به پیروی از عبارات طاقی نصوص در پُست بر آنست که هرگاه داده از حق در حدود حق خود عملی انجام دهد هیچگونه تقصیری مرتکب نشده است. بنابراین کسی که در حدود حقی که قانون برای او شناخته است عملی بنماید و موجب ضرر دیگری شود عملش مشروع است و مسئول خسارت وارده نمیشاید.

رویه قضائی فرانسه همیشه بر آن بوده که شخص ممکن است در اجرای حق خود مرتکب تقصیر شود و ماده ۱۳۸۲ را شامل آن میدانند. از آنموارد است ساختن دودکش بزرگ بخاری برای بستن جلوی منظره خانه همسایه، کندن چاه در خانه خود برای قطع کردن رشته های آبدبه چشمه زمین همسایه تا آب آن خشک پاکم شود، اقامه دعوی

1- Carbonnier, le Cilence et le Glôire, D. 1951 Cron 119,

2- Civ. 27 Fev. 1951. Trib. Civ. NANTES. 23 Oct. 1953 prec

۲- بعض دیگر از حقوقدانان قاعده تجاوز از حق را قاعده جداگانه از تقصیر میدانند و آثار ملمس از نظر اجتماعی دانسته و در ردیف سوءاستفاده از مقام در حقوق عمومی قرار داده‌اند. بنابراین حقوق برای افراد تکالیف اجتماعی است که بمنظور رسیدن به نتیجه خاصی اعمال میشود و چنانچه دارنده حق از حدود حق تجاوز کند از طرف قانون از او حمایت نمیشود.

عده‌ای از اینان بر آنند که برای تشخیص عمل تجاوز از حق باید موجب وجهتیه مرتکب را بانجام عمل برانگیخته تا اقدام بآن نماید در نظر گرفت.

عده دیگر بر آنند که برای تشخیص عمل تجاوز از حق باید عمل را بخودی خود باعتبار ارکان و نتایجش مورد دقت قرار داد که عمل ارتكابی عادی یا آنکه غیر عادی بوده است.

رویه قضائی فرانسه تجاوز از حق را بر مبنای تقصیر قرار داده مخصوصاً تقصیر عملی و در بعض موارد هم تقصیر غیر عملی را ملاک قرار داده است.

موارد مهمی که تجاوز از حق موجب پیدایش نظریه عملی شده است در زیر بیان میگردد.

الف- در مورد اعمال حق مالکیت از طرف مالك بمنظور اضرار همسایه و یا زبانی که در اثر اعمال حق مالکیت برای همسایه ایجاد شده بیش از مقدار متعارف در رفتار همجوار نسبت بهمجوار باشد.

ب- در مورد اقامه دعوی در مراجع قضائی به منظور اذواء خوانده.

ج- در مورد اعمال خانوادگی، چنانکه شوهر که رئیس خانواده است از حقوق خود تجاوز نماید مخصوصاً هرگاه منظور او اذواء و اضرار باشد.

د- در مورد تجاوز از حق در قرارداد، چنانکه ممکن است درد تجدید قرارداد یا اجرای قرارداد یافت شود.

تجاوز از حق در حقوق ایران- اصطلاح تجاوز از حق در حقوق اسلام سابقه ندارد و این کلمه ترجمه کلمه Droit du L'Abus در حقوق فرانسه میباشد و هنوز هم در

حقوق ایران متداول نشده است اگرچه بعضی از نویسندگان در مؤلفات خود این اصطلاح را بکار برده‌اند. قاعده مزبور در حقوق اسلام بنام قاعده لاضرر معرفی شده است و مبنای آن چند روایت میباشد که هر يك از آنها در موضوع مسئله خاصی است و به عبارت لاضرر و لاضرر خاتمه یافته است. فقها از عبارت مزبور چنین استنباط نموده‌اند که کسی نباید بدیگری ضرری وارد آورد والا باید آنرا اجبران نماید. فقها کتابهایی را جمع بقاعده لاضرر نوشته‌اند و موارد اعمال آنرا یاد آور شده‌اند. مخصوصاً در مورد اجرای حق مالکیت و تعیین حدود تصرفات مالك اراضی در ملك خود، که - با اصطلاح اینان نتیجه تعارض قاعده لاضرر با قاعده تسلیط میباشد. مبنای قاعده اخیر نیز روایاتی است که مشهور آن روایت نبوی است که میفرماید:

(الناس مسلطون علی اموالهم) یعنی مردم بر دارائی خود مسلط میباشد. چون اراضی مهم‌ترین حق مالی بشمار میرفته و نوعاً اختلاف بین صاحبان اراضی پیش میآمده این است که فقها حدود آنرا بوسیله تعارض با قاعده لاضرر مورد بحث قرار داده‌اند. قانون مدنی در ماده ۱۳۲ به پیروی از فقهاء امامیه قاعده لاضرر را در مورد حق مالکیت اراضی متذکر شده است. ماده ۱۳۲ ق. م. کسی نمیتواند در ملك خود - تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که بقصد متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.

اینک شرح ماده بالا. طبق ماده ۳۰ قانون مدنی هر مالکی نسبت بمالک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد یکی از مواردی که قانون استثنا نموده در ماده ۱۳۲ ق. م. و آن در صورتی است که تصرف مالک در ملك خود موجب زیان همسایه شود. مشروط بر آنکه تصرف او بیش از حده متعارف باشد و هرگاه تصرفش در حدود متعارف است برای رفع حاجت و یا رفع ضرر از خود نباشد. بنابراین تصرف مالک در ملك خود در صورتی که موجب زیان همسایه شود در موردی مسئول نخواهد بود که:

۱- تصرف مالک در حدود متعارف باشد. قانون حقوق افراد را که معرفی مینماید حدود آنها را اصولاً تعیین نمی‌کند ولی در مورد حق مالکیت خدمتکاران که معمول

و مبنی بر عدالت و انصاف اجتماعی است ملاك تشخیص قرار داده است. بنابراین هر کس بطور متعارف میتواند حق خود را اعمال نماید:

۲- تصرف مالک برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد ماده ۱۳۲ مذکور در بالا تصرف متعارف مالک را کافی برای عدم مسئولیت اود در صورت توجه زیان بغیر (همسایه) ندانسته است بلکه آنرا مشروط نموده بآنکه تصرف متعارف او باید برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.

الف- رفع حاجت- احتیاجی که مالک دارد و موجب تصرف و اعمال حق در ملک خود میشود فرق نمینماید که وضعیت همان ملک ایجاب اعمال حق کند چنانکه احتیاج بخمر چاه برای درختان آن باشد یا آنکه احتیاج اعمال حق در آن ملک برای بهبود وضعیت ملک دیگر خواست مانند آنکه حفر چاه در ملک خود مینماید تا آب آنرا بقریه دیگری که دارد جاری نماید.

ب- رفع ضرر- منظور ماده از رفع ضرر، ضرریست که متوجه مالک باعتبار ملک شده است و برای برطرف کردن آن احتیاج بانجام عملیاتی در ملک خود دارد که موجب زیان همسایه آن ملک میشود مانند آنکه گوسفندانی بمنزعه او ریخته اند و چون گوسفندان را براند بمنزعه مجاور خواهند رفت و بآن زیان وارد میآید.

همچنین است دفع و جلوگیری از توجه ضرر مانند آنکه کسی در بالای زمین خود سیل نرگ دانی بیند که سیل بمالک او جاری نشود آن سیل بمالک مجاور سر ازیر شود. بنظر میرسد در تمامی مواردیکه از تصرف مالک زیان متوجه همسایه میگردد در صورتی مالک مسئول آن نمیشد که راه دیگری برای رفع حاجت یا دفع ضرر نباشد والا بایستادن راه دیگری برای رفع حاجت و رفع ضرر و عدم اقدام بآن وانجام عملیاتی که موجب زیان همسایه شود مالک مسئول جبران زیان خواهد بود.

تبصره ۱- مبنای علمی ماده ۱۳۲ قانون مدنی از نظر تحلیلی - چنانکه گذشت نظریه تجاوز از حق در حقوق ایران مبنی بر قاعده لاضرر است که میگوید کسی نباید بدیگری ضرر وارد آورد والا باید آنرا جبران نماید، بنابراین هر مالکی میتواند در ملک خود

همه گونه تصرف بنماید مگر آنکه بدیگری ضرر وارد آورد که در اینصورت حق تصرف و انتفاع ندارد مگر اینکه تصرف اود در حدود متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر باشد. از نظر تحلیلی فقها بر آنند که چون تصرف مالک برای رفع حاجت و رفع ضرر از خود میباشد، چنانچه تصرف بنماید به مالک زیان متوجه خواهد شد و هرگاه تصرف کند به همسایه ضرر میزند، لذا آن دو ضرر بایکدیگر تعارض مینمایند و هر دو ساقط میشوند و از بین میروند. در نتیجه این امر مانعیکه برای تصرف مالک در ملک خود وجود داشته بی اثر میگردد و طبق قاعده ای که مالک میتواند هر گونه تصرفی در ملک خود بنماید تصرف او بآنکه موجب زیان همسایه میگردد مجاز است و ایجاد مسئولیت نمی کند. بنظر میرسد که در ضرر مقابل بایکدیگر در صورتیکه مقدار آن دو مساوی باشند ساقط میگردد، ولی منطقی بنظر نمیرسد که هرگاه یکی بیشتر و دیگری کمتر باشد آن دو ساقط گردند، بلکه تا اندازهای که آن دو ضرر باهم معادله مینمایند ساقط میشود و مقدار زائد باقی میماند. بنا براین مناسب است که در جواز تصرف مالک در ملک خود در حدود متعارف مقدار ضرر هر يك از مالک و همسایه در نظر گرفته شود.

نظریه مزبور از موارد نظریه انتفاع با توجه بمقدار زیان هر يك از مالک و همسایه میباشد.

بازی تشخیص آنکه تصرف مالک در ملک خود در حدود متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود بوده یا دادرس ماهوی است.

تبصره ۲- بعضی از حقوق فردی هستند که قانون بطور مطلق اجازه اجرا بصاحب حق میدهد اینگونه حقوق بسیار نادرند. در اینمورد چنانچه در اجراء حق ربانی به دیگری وارد آید دارنده آن مسئول جبران زیان نمیشد، اگرچه منظور رفع حاجت یا رفع ضرر نباشد و هیچگونه نفعی هم برای صاحب حق ندارد، مانند مورد ماده ۱۳۱ ق. م. که اجازه میدهد بمالک خانه شاخه درخت همسایه را که در فضای خانه او که در مجاور آن قرار دارد داخل شده قطع نماید. ماده ۱۲۰ ق. م. در مورد رجوع مالک از اجازه وضع سر تیر بر دیوار خود. ماده ۱۳۳ ق. م. در مورد کشیدن دیوار از طرف مالک جلوی روزنه

۲- قابلیت مسئولیت

برای آنکه زیان زننده مسئول جبران زیان ناشی از عمل بدون مجوز قانونی خود باشد کافی نیست که تقصیر کرده باشد (یعنی در ارتکاب عمل خود عمد داشته و یا در نتیجه بی احتیاطی بوده است) بلکه باید از نظر اجتماعی اوقابلیت مسئولیت را نیز داشته باشد. یعنی وضعیت روانی زیان زننده طوری باشد که بتواند عمل ارتكابی و آثار مهم آنرا تشخیص دهد و آن را بدون قوه تمیز است. بنابراین اشخاصیکه دارای قوه تمیز نیستند مانند صغیر غیر ممیز و مجنون قابلیت مسئولیت ندارند چنانکه ذیلاً بیان میگردد نمیتوانند مسئول زیان وارده از اعمال خود باشند.

الف- صغیر غیر ممیز - چنانکه میدانید در امور مدنی تمیز سن معنی ندارد و آنچه در ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی بیان شده و سن تمیز را دوازده سال تعیین نموده مربوط به امور جزائی برای تشخیص مجرمیت است. باری کسیکه دارای قوه تشخیص و تمیز نمیشد و اثر فیزیکی و حقوقی اعمال خود را نمیتواند تشخیص دهد نمیتوان مسئول عملش دانست و جبران زیان وارده را از او خواست و دیگر آنکه صغیر نوعاً دارایی ندارد تا بتواند زیان وارده را جبران کند.

ایراد شده است که چنانچه صغیر غیر ممیز مسئول جبران زیان وارده از عمل خود نباشد برخلاف انصاف و عدالت است که زیان ناشی از عمل او را متضرر که هیچگونه رابطه حقوقی با صغیر ندارد متحمل شود (این امر در صورتیست که صغیر غیر ممیز نگاهدارنده نداشته باشد و یا آنکه نگاهدارنده در وظیفه خود تقصیر ننموده باشد). دیگر آنکه عدل از صغار غیر ممیز هستند که بوسیله ارث، هبه و وصیت متمول میشوند، علاوه بر آنکه عمل بدون مجوز قانونی ایجاد دین برای مرتکب مینماید و آن مربوط بملالت و عدم ملالت او نیست والا باید اشخاص بی بضاعت و معسر مسئول زیان ناشی از عمل خود نباشند. آنچه بنظر میرسد در حقوق ایران بدستور ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است». بنابراین در صورتیکه صغیر

غیر ممیز موجب اتلاف و نقص و عیب مال غیر شود مسئول جبران زیان وارده طبق ماده ۳۲۸ ق. م. خواهد بود، زیرا ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که عمد و بی احتیاطی را شرط مسئولیت مدنی قرار داده منصرف از زیان وارده بوسیله اتلاف است ولی در موارد دیگر صغیر غیر ممیز مسئولیت ندارد زیرا دارای قوه تمیز نمیشد نتیجتاً ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی اطلاق ماده ۱۲۱۶ ق. م. را تخصیص میدهد.

ب- مجنون - برای جنون در قانون مدنی در جاتی معین نشده است و قانون بطور مطلق مجنون را محجور و ممنوع از تصرف در دارائی و حقوق مالی خود دانسته است (خواه مجنون دائمی باشد یا ادواری در حال جنون) ولی از نظر روان پزشکی جنون دارای در جاتی است. در نظریه تقصیر ملاک مسئولیت مدنی قوه تمیز است و چنانچه جنون بدرجه ای باشد که مجنون فاقد قوه تمیز باشد ملاک صغیر غیر ممیز است و فقط در مورد اتلاف مال و نقص و عیب مسئول میباشد و در موارد دیگر مسئولیت ندارد.

اما کسیکه نیمه دیوانه یا مست است چنانچه موجب زیان دیگری شود مسئول جبران آن خواهد بود. میتوان بر آن شد که صغیر غیر ممیز و مجنون نه فقط ضامن در مورد اتلاف و نقص و عیب مال غیر میباشد بلکه مانند شخص رشید عاقل مسئول جبران کلیه خسارات وارده از ناحیه خود خواهند بود زیرا ماده ۱۲۱۶ ق. م. مطلق است و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی با قید آنکه عمل باید عمدی یا در نتیجه بی احتیاطی باشد تا ایجاد مسئولیت نماید منصرف از مجنون و صغیر غیر ممیز است، بنابراین قانون مسئولیت مدنی ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی رانسخ نموده و تخصیص هم نداده است. بعضی از مجموعه های قوانین کشورهای بیگانه، مانند قانون مدنی آلمان (ماده ۸۲۹) و قانون تعهدات سوئیس (ماده ۴۵) با حفظ قاعده عدم مسئولیت محجورین (صغیر غیر ممیز و مجنون) در صورتیکه آنها دارائی کافی داشته باشند با بکار بردن نصف و عدالت قضائی آنها را ملزم به جبران خسارت وارده از اعمال خود دانسته است. ماده ۵۴ ق. تعهدات سوئیس «هرگاه عدالت قضائی ایجاد نماید دادرس میتواند حتی کسی را که قادر به تمیز نمیشد به جبران تمام یا قسمتی از ضرریکه موجب شده محکوم بنماید.

کسیکه مبتلا بعلم تمیز موقت شده است ملزم بجبران ضرریرکه در این حال مرتکب شده میگردد، هر گاه اثبات نکند که آنرا بدون داشتن تقصیر مرتکب شده است» در فرانسه قانون ۳ ژانویه ۱۹۶۸ که مقررات مربوط بعلم اهلیت را تغییر داد و عدم مسئولیت دیوانگان را برهم زد، درش ۲ ماده ۴۸۹ قانون مدنی مقرر میدارد «کسیکه بدیگری ضرری وارد آورد درحالیکه تحت استیلا بیماری روانی باشد ملزم بجبران است».

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران نیز صغیر غیر معیز و مجنون را بی بهر از مسئولیت نموده است و مقرر میدارد «در صورتیکه (نگاهدار نده و مواظبت کننده) استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد» آنچه در مسئولیت مدنی صغیر غیر معیز و مجنون در بالا گفته شد در صورتیست که کسی نگاهداری و مواظبت آنان را قانوناً بر حسب قرار داد عهده دار نباشد و یا آنکه هر گاه کسی عهده دار است، در نگاهداری و مواظبت از آنان تقصیر ننموده باشد والا طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی کسی که نگاهداری و مواظبت مجنون و صغیر معیز را عهده دار است چنانکه در نگاهداری و مواظبت آنان تقصیر نموده باشد مسئول جبران خسارت وارده از ناحیه آنان خواهد بود.

ولی صغیر معیز و مجنونیکه دارای قوه تمیز میباشد اگرچه مواظبت و نگاهداری آنان را دیگری بعهده داشته باشد، نسبت بافعال خود طبق قاعده عمومی مسئول و ضامن جبران زیان وارده میباشد، زیرا با دارا بودن قوه تمیز نمیتوان نگاهدار نده و مواظبت کننده را مسئول افعال زیان آور دانست مگر آنکه در واقعه معینه مساویت کننده را طبق ماده ۳۳۲ ق. م. مسئول شناخت.

مبحث سوم - رابطه علیت بین عمل و ضرر

رکن اساسی مسئولیت مدنی وجود رابطه بین عمل بدون مجوز قانونی مرتکب

و ضرر وارده بمتضرر است والا چنانچه رابطه علیت موجود نباشد مرتکب را نمیتوان مسئول خسارت متضرر دانست. بنابراین خواهان خسارت باید علاوه بر ارتکاب عمل از ناحیه خوانده و توجه خسارت بخود ثابت کند که علت توجه خسارت باو عمل ارتکاب بدون مجوز قانونی خوانده است. با اثبات سه امر بالا دادرس حکم بجبران خسارت وارده را خواهد داد.

۱- عوامل متعدد

در صورتیکه امر واحدی موجب خسارت شود یعنی علت منحصراً باشد گفتگوی نخواهد بود که مرتکب مسئول جبران خسارت میباشد مثلاً کسی لیوان را برای اضرار بمالک آن بر میدارد و بزمین میزند و میشکند ولی هر گاه عوامل متعددی موجب توجه خسارت گردند تعیین مسئول آسان نخواهد بود. مثلاً در مورد عابریکه در اثر تصادم اتومبیل در خیابان کشته شود چون پلیس بمحل واقعه میرسد در تحقیقات خود گزارش واقعه را بشرح زیر میدهد.

قتل عابر بوسیله اتومبیل بوده که در ساعت ۹ شب از شمال خیابان پهلوی بطرف جنوب بسمت مقصد با سرعت غیر مجاز میرفته است. ترمز اتومبیل خراب بوده و خیابان لغزنده و مه آلود. ناگهان اتومبیل دیگری از مقابل بدون آنکه چراغهای خود را روشن کرده باشد به طرف شمال در حرکت بوده. عابر بدون توجه بآنکه خیابان لغزنده و اتومبیل میگردد وارد خیابان میشود اتومبیل که میخواسته با اتومبیل دیگر تصادم نکند از سرعت خود میکاهد ولی با وجود آن با عابر تصادم میکند و در اثر آن عابر مجروح میشود او را راننده اتومبیل به بیماری قلبی بوده و پزشك كشيک در محل خود حاضر نبوده و علل دیگری مانند عدم پرستاری لازم، اشتباه در تشخیص و مداوا و امثال آن بوده است نتیجه پس ازده روز عابر در بیمارستان میمیرد.

تمامی وقایع مذکور در بالا موثر در مرگ عابر شده اند ولی تاثیر آنها مختلف بوده است باین معنی که فقدان یکی از آنها کافی بود که عابر مجروح مداوا شود و خسارت متوجه خویشاوندانش نگردد. اکنون پرسشی پیش میاید که آیا از نظر حقوقی تمامی

آن عوامل مسئول زیان میباشند و در جبران خسارت شریکند؟
 دو نظر مختلف بوسیله فلاسفه و حقوقدانان آلمان ابراز شده است؟
 ون بوری Von Buri بر آنست که تمامی آن عوامل علت حقوقی هستند زیرا
 با فقدان یکی از آنها، خسارات متوجه نمیشد و هر گاه یکی از آنها مقصور باشد او باید
 تمامی خسارت را بپردازد و نسبت بسهم دیگران بآنها مراجعه نماید نظریه مزبور
 بنام تساوی عوامل معروف میباشد. — La Theorie de l'équivalence des.
 (Conditions). ون کریس Von Kries برخلاف نظریه بالا بر آنست که تمامی عواملی که در
 پیدایش خسارت مدخیل داشتند نمیتوانند علل فرار گیرند بلکه یکی از آنها که
 بطور عادی موجب توجه خسارت شده است علت میباشد و رابطه بین علت و خسارت باید
 کامل Adequate باشد نه اتفاقی. این نظریه بنام نظریه مولد نامیده شده است
 La Theorie de la causalité Adequate ou Generatrice
 دادگاههای حقوقی فرانسه از نظریه اول که تساوی عوامل باشد پیروی مینمودند
 اکنون متمایل بنظریه دوم که علت مولد باشد شده اند. دادرسان نظریانه را اتخاذ
 نموده اند و آن این است که چون عواملی که موجب پیدایش خسارت شده اند نمیتوانند
 همگی علت مولد قرار گیرند بلکه عاملی که اقوی از علل دیگر در پیدایش خسارت است
 علت مولد میباشد. نظر مزبور بوسیله مولفین جدید بنام نظریه علت موثر نامیده
 شده است. La Causalité Efficiente عوامل متعدد بر دو نوعند. عوامل متعددی
 و عوامل متعدد عرضی.
 الف- عوامل متعدد عرضی- و آن در موردیست که مجموع فعالیت مشترک چند
 عامل موجب زیان غیر شده باشد. در اینصورت آیا آنان متضامناً مسئول جبران زیان
 وارده میباشند و یا آنکه میزان مسئولیت هر يك بمقدار تاثیر آن در پیدایش زیان است؟
 مثلاً هر گاه چندین نفر بكمك يكديگر سنگی را در دامنه کوهی بغلطانند
 و سنگ بپائین پرتاب شود و باتو بمبیلیکه از جاده زیر دامنه کوه میگذشته آسیب رساند
 و راننده را مجروح گرداند مسئول خسارت کیست؟
 آنچه از نظر تحلیلی میتوان گفت آنست که تمامی آنعه از اشخاص که در غلطانیدن

سنگ موثر بوده اند علت واحدی را برای حرکت سنگ ایجاد نموده اند و هر يك
 بتناسب مقدار فعالیت خود در حرکت دادن سنگ مسئول جبران زیان وارده میباشند،
 ولی عملاً تشخیص مقدار فعالیت هر يك از عوامل بطور دقیق مشکل و در بعض موارد
 محال است. مثلاً هر گاه بین اشخاصی که سنگ را غلطانیده اند يك جوان قوی
 و يك پیر مرد هشتاد ساله و دو پسر بچه ۱۷ ساله و سیزده ساله بوده اند و فرض شود که
 بدون فعالیت هر يك از آنها سنگ حرکت داده نمیشد مقدار دقیق فعالیت هر يك را
 نمیتوان تعیین نمود.
 بعض از حقوقدانان هر يك از اشخاصی را که با شرکت یکدیگر علت توجه ضرر
 بوده اند متضامناً در مقابل متضرر مسئول خسارت وارده میدانند. In Solidum از نظر
 قضائی چون مسئولیت تضامنی برخلاف قاعده میباشد و محتاج بتصریح قانونی است
 و قانونی در این مورد وجود ندارد پیروی از آن نمیتوان نمود، علاوه بر آن از نظر
 اصول حقوقی قابل حمایت نمیشد، مگر آنکه گفته شود که فعالیت هر يك را که در نظر
 بگیریم جزء اخیر علت نامه (یعنی فعالیتهای دسته جمعی) است و در حقیقت آن جزء
 اخیر علت موجد و مسئول خسارت وارده میباشد. بنابراین هر يك بنوبه خود جزء اخیر
 علت نامه قرار میگیرد و بالمال همگی متضامناً مسئول خسارت میباشند. اینگونه
 استدلال که بافروض فلسفی پایه گذاری شده نمیتواند علت مادی در خارج بوجود آورد
 تا بارسئولیت راتحمل کند. بنظر میرسد که میتوان از ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی
 بنابر وحدت ملاك كمك خواست و استنباط نمود که تمامی اشخاص که مجتمعاً بوسیله
 فعالیت مستقیم خود مرتکب عمل خلافی شده که موجب زیان دیگری شده اند متضامناً
 مسئول جبران خسارت در مقابل متضرر میباشند. اما میزان مسئولیت هر يك از آنان
 در مقابل یکدیگر باتوجه بمداخله او در ایجاد خسارت از طرف دادگاه تعیین میشود. ماده
 ۱۴ مذکور در بالا اگر چه در مورد کارگران است که کارفرمایان آنان مشمول قانون کار هستند
 ولی چون حکم تضامنی بر مبنای فعالیت چند نفر در ایجاد امر واحد است نه بر مبنای
 مشمول بودن کارفرمایان به قانون کار، میتوان حکم ماده را در تمامی موارد مشابه

سرایت داد.

مسئولیت دسته جمعی - گفتگو در مسئولیت عوامل متعدد توجه نویسنده رابه مسئولیت دسته جمعی کشاوری La Responsabilité Collective مسئولیت دسته جمعی دارای صور مختلفی است که ذیلاً بیان میگردد.

الف - شخص حقوقی - شخص حقوقی چنانکه می دانیم فرضیه ای بیش نیست و شخصیت حقوقی از طرف قانون با و اعطاء شده است و بدینجهت هیچ زمان حقوقدانان فرض مسئولیت کیفری برای او ننموده اند، ولی تردیدی نیست که هرگاه کسی که سمت نمایندگی از طرف شخص حقوقی دارد در حدود اختیار اینکه با و تفویض شده است عملی انجام دهد که موجب زیان غیر گردد شخص حقوقی مسئول جبران آن خواهد بود.

ب - جمعیت - Le Groupement de Fait چنانکه گذشت هرگاه عوامل متعددی در عرض یکدیگر در اثر فعالیت مشترک زیان یکسی بکسی وارد آورد هر يك متضامناً مسئول جبران آن میباشند و متضرر میتواند به هر يك متضامناً مراجعه و جبران تمامی زیان وارده را بخواهد و هر يك بمقدار فعالیت خود در پیدایش زیان در مقابل جبران کننده زیان مسئول خواهد بود.

اما هرگاه عده ای که دارای تشکیلاتی میباشند بوسیله نقصی که در تشکیلات آنان موجود بوده موجب زیان کسی گردند مسئول کیست؟ مثلاً در شکار دسته جمعی که عده ای شکار را بمحل معینی میرانند تا شکارچیان آنرا در آن محل صید نمایند (این امر در شکار روباه) گرگ و امثال آن معمول است) و در شکار تیری بکسی اصابت مینماید. در صورتیکه معلوم شود که چه کسی تیر زده و مسئول جبران زیان خواهد بود، ولی هرگاه ثابت نشود که مصدوم بوسیله کدام يك از شکارچیان تیر خورده و مسلم شود که حادثه در نتیجه نقص اداره شکار گاه بوده است، بنظر میرسد که اداره کننده شکار گاه مسئول است. زیرا او اومقصراست.

در صورتیکه تشکیلات منظمی نباشد و عده ای در امری شرکت کنند و بوسیله يك یا چند نفر از آنان خسارت به کسی وارد شود ولی نتوان مرتکب راشناختن تا بر وحدت ملاك ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی که هر يك مسئولیت کیفری دارند میتوان همه شرکت کنندگان را متضامناً مسئول جبران خسارت وارده دانست. بنظر میرسد که مسئولیت

مدنی تمامی آنان با آنکه در واقع يك یا چند نفر از آنها مرتکب عمل زیان آور شده است و همچنین مسئولیت تضامنی بر خلاف اصل حقوقی است و از ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی نمیتوان وحدت ملاك بدست آورد و استنباط مسئولیت تضامنی نمود.

ب - عوامل متعدد طولی - و آن در موردیست که عوامل متعددی که هر يك از آنها موجب پیدایش عامل دیگری شود و آخرین عامل سبب ایجاد زیان گردد، بررسی پیش می آید که آیا کدام يك از حلقه های زنجیر عوامل بی دریغ علت توجه خسارت میباشد؟ از ماده ۳۳۲ قانون مدنی پاسخ پرسش دانسته میشود. ماده ۳۳۲ قانون مدنی «هرگاه یکنفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آنمال بشود مباشر مسئول است نه مسبب، مگر این که سبب اقوی باشد بنحویکه عرفاً» اتلاف مستند باشد» بحث در مسئله بالا در حقیقت بحث علت موجهه خسارت میباشد (La Cause Efficiente) و آنکه در عوامل متعدد طولی کدام يك از آنها اقوی یعنی علت موجد خسارت است تشخیص این امر در بعضی موارد مشکل میباشد، بابیان چند مثال راجع بسبب و مباشر موضوع روشن میشود.

مثال ۱ - مباشر اقوای از سبب - زنی با مردی که سابقاً نامزد او بوده و ترکش کرده دشمنی دارد بشوهر خود مکرر شکایت مینماید که مرد مزبور مزاحم من است و چون بخوابان میروم مرا تعقیب میکند و با گفتار و رفتار خود مرا بدوستی با خود دعوت مینماید و حسادت شوهر را تحریک میکند و او را بر علیه آن مرد بر میانگیزد. شوهر در مشاجره با او چاقو از جیب خود در میاورد و چند ضربه بمرد اجنبی میزند و پس از مدتی ملاو دستش ناقص میشود و قدرت کار و تقلیل می یابد. در مثال مزبور با آنکه زن محرک شوهر در مشاجره بوده ولی چون شوهر اراده آزاد و اختیار کامل در عمل خود داشته او مسئول جبران خسارت مضروب میباشد.

مثال ۲ - سبب اقوی از مباشر - شهر دار ناحیه بیکی از رفتگران مامور خورد و دستور میدهد که دیوار باغی را خراب کند و او اطاعت مینماید در فرض مزبور رفتگر تابع دستورات

رئیس خود است و او بدون هیچ قضاوتی او را ورا انجام میدهد. بنابراین چنانچه دستور رئیس ناحیه بدون مجوز قانونی بوده اومسبب تخریب واقوی از مباشر است و مسئول جبران خسارت وارده میباشد.

مثال دیگر: در سن تشارتری نی باید بطرف مردی که نقش دزد را بازی میکند بوسیله اسلحه کمری که در کیف دارد شلیک بنماید. کارگردان که سابقه عداوت با مرد مزبور داشته که رقیب اودر عشق است برای آنکه رقیب خود را از بین ببرد بجای آنکه در اسلحه فشنگاهی بدون گلوله بگذار د فشنگاهی باسرب قرار میدهد، چون بازی شروع میشود زن اسلحه خود را از کیف بیرون میاورد و بطرف مرد مزبور خالی میکند مرد کشته میشود، در این مورد مباشر در اثر جمل باینکه فشنکها دارای گلوله هستند ضعیف تر از کارگردانست که اقوی میباشد. بنابراین کارگردان مسئول جبران زیان میباشد.

تذکره- چون سخن از مباشر و سبب است بی مناسبت نمیدانم که مفاهیم هر يك از علت و شرط و سبب و مانع را یادآور شویم.

الف- علت- و آن امریست که موجب پیدایش امر دیگری شود. در مرگ کسی که در اثر اصابت گلوله بهلاکت رسیده، اصابت گلوله علت است و بدینجهت کسیکه تیر را زده قاتل میباشد.

ب- شرط- و آن امریست که تاثیر علت منوط بوجو آنست، ولی مولد معلول نمیباشد و در پیدایش آنهم مداخلیت ندارد، مانند هدف گیری در تیراندازی بشکار که هرگاه هدف درست نگیرد گلوله اصابت نمیکند و شکار کشته نمیشود.

ج- سبب- و آن عبارت از امریست که در پیدایش معلول مؤثر است و همچنانکه شرط مولد معلول نیست، آن نیز مولد نمیباشد، بلکه داعی در علت ایجاد میکند مانند گواهی دروغ نزد دادرس که منجر بصدور حکم اعدام باستناد آن گواهی میشود. سبب دارای معنی عام نیز میباشد و آن عبارت از امریست که در پیدایش امر دیگر مؤثر است خواه سبب بمعنی خاص باشد یا شرط.

د- مانع- و آن عبارت از امریست که با پیدایش آن علت بلا اثر میماند مانند آنکه

شخص مورد اصابت گلوله، لباس ضد گلوله بر تن داشته باشد.

برای روشن شدن امر، مثال دیگری میزنیم که عوامل متعدد طولی یکی پس از دیگری قرار دارند و هر يك علت پیدایش علت دیگر قرار میگیرد.

مثال. چند اتومبیل یکی پس از دیگری نزدیک چهارراه ایستادند تا چراغ سبز شده و عبور نمایند، کامیونی بسرعت میاید بدون آنکه توجه بچراغ قرمز نماید نمیایستد و بدعقب آخرین اتومبیل که ایستاده بوده تصادم مینماید و اتومبیل اخیر به اتومبیل جلوی خود و آن بدیگری و همینگونه پنج اتومبیل بیکدیگر خورده و همگی خسارت میبینند. در مورد مزبور کامیون که بسرعت میآمده اقوی عامل است و خسارات هر يك از اتومبیلهای مقدم را باید بپردازد.

ماده ۳۳۲ قانون مدنی از حقوق امامیه پیروی نموده است. فقها در مواردیکه عوامل متعدد طولی موجب پیدایش زیان گردد تراحم نام نهاده اند و کسیکه بلا واسطه موجب پیدایش زیان شده مباشر و عوامل دیگری که قبل از آن بوده اند مسبب مینامند.

۲- اسباب متعدد

در صورتیکه دو یا چند سبب موجب زیان کسی شود هر يك از اسباب که مؤثر در ایجاد زیان باشد فاعل آن مسئول جبران خسارت است.

مثال ۱- هرگاه کسی در پیاده روی خیابان جوئی بکند سپس دیگری سنگی چند در نزدیکی جوی قرار دهد و عابری در تاریکی شب بگذرد و پایش بسنگ گرفته در جوی افتد و پایش بشکند. آیا مسئول جبران خسارت عابر کیست؟ کننده جوی یا گذارنده سنگ؟ در مثال مزبور دوسبب که کنندن جوی و دیگری گذاردن سنگها باشد موجب شکستن پای عابر شده اند.

مثال ۲- هرگاه کسی جوئی در پیاده روی بکند و دیگری آب از جوی خیابان بآن جاری نماید و بچه ای که در پیاده روی بگذرد در جوی پیاده روی افتد خفه شود. آیا چه کسی مسئول جبران زیان مرگ بچه میباشد؟ کننده جوی یا جاری کننده آب؟ در مثال مزبور دوسبب

خود را از او دریافت میدارد. رویه قضائی فرانسه برعکس استدلال مزبور
تقصیر را نسبت بطرفین تصادم مادام که اثبات نشود که تقصیر بایکی از آنها بوده باقی
میداند، بنابراین نظریه از طرفین تصادم متحمل ضرر طرف دیگر خواهد بود. قانون
مدنی ایران در ماده ۳۳۵ میگوید «در صورت تصادم دو کشتی یا در قطار راه آهن یا دو
اتومبیل و امثال آنها، مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا
مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند هر دو مسئول
خواهند بود.»

بر خلاف قانون مدنی فرانسه، قانون مدنی ایران در تصادم فرض تقصیر ننموده
است. بنابراین هرگاه دو وسیله نقلیه بایکدیگر تصادم نمایند و هیچکس نتواند تقصیر
دیگری را اثبات نماید هر یک متحمل زیان متوجه بخود خواهد بود. اما هرگاه
یکی از آنها تقصیر دیگری را اثبات کند زیان دیده میتواند زیان خود را از طرف دیگر
که مقصر است بخواند. ولی هرگاه هر یک از دو وسیله نقلیه تقصیر دیگری را اثبات نماید
و نتایجاً ثابت شود که تصادم در نتیجه تقصیر هر دو وسیله نقلیه است هر گاه یکی از دو وسیله
زیان دیده نصیب زیان را از دیگری میخواند و نصف زیان را خود متحمل میشود، و در
صورتی که هر دو وسیله نقلیه زیان دیده باشند چنانکه در ذیل ماده تصریح شده است
هر یک از دو وسیله نقلیه نیمی از زیان دیگری را میپردازد و نیمی از آنرا خود تحمل
میکند زیرا تصادم ناشی از تقصیر است.

که یکی کندن جوی و دیگری جاری نمودن آب است سبب خفه شدن بچه اند.
فقهاء امامیه قریب به اتفاق بر آنند که اولین سببیکه موجب پیدایش حادثه
(افتادن در جوی) شده است مسئول جبران زیان میباشد. اگر چه حیث زمان سبب مزبور
پس از احداث سبب دیگر ایجاد شده باشد. بنابراین در مثال اول گذارنده سنگها
مسئول زیان وارده است اگر چه افتادن در جوی موجب شکستن پای عابر میباشد
و در مثال دوم کندن جوی مسئول خسارت است اگر چه بچه در اثر بودن آب در جوی
خفه شده باشد. بدین استدلال که سبب اول موجب حادثه (افتادن) شده است و حادثه
سبب زیان بوده و آن استصحاب میشود و بر سبب دوم ترجیح پیدا مینماید و سبب دوم
مانند شرط در فعل مباشر میباشد. بعضی از فقهاء تردید نموده اند و متمایل شده اند که هر
دو سبب را مسئول جبران بدانند، زیرا هر دو سبب موجب واقعه زیان آور شده اند و
هیچیک از آنها و بتنهایی موجب خسارت نبوده است. در صورتیکه یکی از دو سبب بدون
مجوز قانونی و دیگری در نتیجه اعمال حق ایجاد شده باشد و موجب خسارت شوند
آنکه بدون مجوز قانونی ایجاد سبب نموده ضامن جبران خسارت میباشد، خواه سبب
مقدم باشد یا سبب مؤخر.

بنظر میرسد که تقدم و تأخر سبب از یکدیگر در پیدایش زیان، موجب مسئولیت
فاعل آن در جبران زیان نمیکرد بلکه آنچه میتواند موجب مسئولیت گردد سببی است
که ایجاد زیان مستقیماً نموده است.

۳- تصادم

و آن عبارات است از برخورد دویا چند فعالیت با یکدیگر که موجب زیان شود.
فرض مزبور در مورد دو وسیله نقلیه (دواتومبیل، دو کشتی، دو ترن، دو هواپیما، یک
اتومبیل با دو چرخه با اسب و امثال آن) نوعاً پیش میآید. بنابراین عقیده عده ای از حقوقدانان
فرانسه طبق بند ۱ ماده ۱۳۸۴ ق. م. فرانسه در مورد تصادم، فرض میشود که هر یک
از آن دو در تصادم تقصیر نموده اند و آن دو تقصیر تعارض نموده همدیگر را خنثی مینماید
بنابراین هر یک از آنها، ضرر متوجه بخود را تحمل میکنند، مگر آنکه یکی از آنها
اثبات نماید که عمل تصادم ناشی از تقصیر طرف دیگر بوده است که در این صورت ضرر